

نشست تخصصی "عوامل موثر بر تاخیر و تعویق پرداخت‌های دولت: نتایجی از تجربه کشورهای اتحادیه اروپا" با سخنرانی آقای دکتر هادی صالحی اصفهانی، استاد اقتصاد دانشگاه ایلو نویز، روز شنبه ۹۵/۷/۳ در موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، در جمع اساتید، اعضای هیئت علمی و کارشناسان اقتصادی برگزار شد.

دکتر صالحی اصفهانی در ابتدای نشست با اشاره به فراگیر بودن مشکل نکول دولت‌ها در سراسر دنیا اظهار داشت: «بررسی مخارج عمومی و مسئولیت‌پذیری مالی ۱۲۱ کشور طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که سهم معوقات دولتی از مخارج عمومی در ۳۱ درصد از کشورها کمتر از ۲ درصد، در ۲۲ درصد از کشورها بین ۲ تا ۱۰ درصد و در ۱۹ درصد از آن‌ها بیش از ۱۰ درصد است و در مورد بقیه کشورها به دلیل عدم گزارش‌دهی و کنترل مناسب، اطلاعاتی در دست نیست. این مشکل به قدری جدی است که در ۹۵ درصد از برنامه‌های حمایتی صندوق بین‌المللی پول در طول سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۲، به موضوع اصلاحات تعویق بدهی‌های دولتی پرداخته شده است.»

ایشان در تعریف تاخیر و تعویق بدهی‌ها عنوان کرد: «معمولاً پس از تحویل کالا یا خدمات، حداکثر ۹۰ روز طول می‌کشد تا دولت‌ها بدهی خود را پرداخت کنند. اگر پرداخت بدهی پس از موعد مقرر در قرارداد و در این بازه زمانی (۹۰ روزه) باشد، آن را تاخیر قابل قبول در پرداخت و اگر خارج از بازه زمانی ۹۰ روزه انجام پذیرد، آن را تعویق در پرداخت محسوب می‌کنیم. در این مطالعه همه پرداخت‌های پس از موعد مقرر در قرارداد را پرداخت با تاخیر و پرداخت‌های پس از بازه زمانی ۹۰ روزه را پرداخت معوق تعریف می‌کنیم.»

ایشان این مطالعه را از معدود مطالعات تجربی برای تعیین عوامل موثر بر تاخیر و تعویق بدهی‌های دولتی خواند و گفت: «مطالعات انجام گرفته در این زمینه بسیار محدود است. نتایج مطالعه‌ای در بررسی اثرات کلان تاخیر و تعویق بدهی‌های دولتی در سال ۲۰۱۶ بیان می‌کند که یک انحراف معیار تغییر در تاخیر پرداخت‌ها، بین ۰/۸ تا ۱/۵ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی و ۱/۵ تا ۳/۴ درصد از رشد سودآوری شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین تاخیر و تعویق پرداخت‌ها منجر به تنگنای اعتباری و افزایش احتمال ورشکستگی بنگاه‌های خصوصی می‌شود.»

وی در ادامه اذعان داشت: «در این مطالعه از داده‌های شاخص‌های حکومتی در سراسر جهان^۱، مربوط به ۲۷ کشور اتحادیه اروپا طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲ استفاده شده است. در مدل رگرسیونی این پژوهش، متغیر وابسته، تاخیر یا تعویق پرداخت (سهم تاخیر یا تعویق پرداخت از کل پرداخت‌ها) است و متغیرهای مستقل شامل پاسخگویی و حق اظهار نظر^۲، ثبات سیاسی و عدم خشونت^۳، حاکمیت قانون^۴، متغیر وقفه‌ای^۵ تاخیر

¹ Worldwide Governance Indicators

² voice and accountability

³ political stability and non-violence

⁴ rule of law

⁵ lagged variable

تعویق پرداخت و در نهایت، درجه باز بودن اقتصادی^۶ می‌باشند. همچنین برای تخمین مدل داده‌های تابلویی پویا^۷، رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته^۸ به کار گرفته شده است.»

ایشان در پایان با تشریح نتایج برآورد ضرایب مدل رگرسیونی گفت: «متغیر وقفه‌ای تاخیر یا تعویق پرداخت، اثری مثبت و معنادار دارد. بنابراین دولت‌هایی که در سال قبل، تاخیر یا تعویق در پرداخت داشته‌اند به احتمال فراوان در سال جاری نیز تاخیر یا تعویق خواهند داشت. اثر متغیر پاسخگویی و حق اظهار نظر بر تاخیر یا تعویق در پرداخت بدهی‌های دولتی، مثبت و معنادار است و می‌توان گفت که سیاستمداران برای پاسخگویی به خواسته‌های گروه‌های مختلف، به قرض گرفتن‌های مخفیانه یا تعویق بدهی‌ها روی می‌آورند. متغیر ثبات سیاسی و عدم خشونت بر تاخیر یا تعویق در پرداخت اثری منفی و معنادار دارد و می‌توان نتیجه گرفت که ثبات سیاسی به دولت‌ها امکان برنامه‌ریزی برای مهار تاخیر یا تعویق در پرداخت را می‌دهد. متغیر حاکمیت قانون نیز اثری منفی و معنادار دارد. بنابراین هرچه نقش قانون پررنگ‌تر شود، اجرای قراردادها دقیق‌تر و هزینه‌های ناشی از تاخیر در پرداخت‌ها برای دولت بیشتر می‌شود. متغیر درجه باز بودن اقتصادی نیز تاثیر مثبت و معنادار بر تاخیر پرداخت دارد و بر تعویق پرداخت اثرگذار نیست. از این رو می‌توان دریافت که هرچه اقتصاد بازتر شود، دولت‌ها با شوک‌های بیشتری مواجه می‌شوند که تاخیر پرداخت را بیشتر می‌کند اما این شوک‌های اقتصادی لزوماً بر تعویق پرداخت تاثیر ندارند.»

⁶ openness

⁷ dynamic panel data model

⁸ generalized method of moments (GMM)